

## الهیات عملی و چالش دینداری در دنیای معاصر



استاد فلسفه اخلاق ضمن اشاره به اینکه چالش الهیات عملی شیوه راهبری کلیسا در دنیای جدید است، نشان داد که چطور دانش «کلام الافعال» که فارابی به آن اشاره می‌کند می‌تواند ما را به الهیات عملی در بستر اسلامی نزدیک کند.

استاد فلسفه اخلاق ضمن اشاره به اینکه چالش الهیات عملی شیوه راهبری کلیسا در دنیای جدید است، نشان داد که چطور دانش «کلام الافعال» که فارابی به آن اشاره می‌کند می‌تواند ما را به الهیات عملی در بستر اسلامی نزدیک کند.

به گزارش ایکننا، نشست «الهیات عملی؛ چیستی، ضرورت، روش»، عصر امروز ۲۲ آبان در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد.

در این نشست محسن جوادی، استاد فلسفه اخلاق سخنرانی کرد که گزیده آن را در ادامه می‌خوانید:

برای الهیات تقسیم بندی های مختلفی بیان شده است از جمله در مسیحیت یک تقسیم چهارگانه وجود دارد که بر اساس آن الهیات را به الهیات تفسیر متن، تاریخ مسیحیت، الهیات سیستماتیک که روی موضوع مشخصی تمرکز دارد و الهیاتی که به بررسی فرق می‌پردازد، تقسیم می‌کنند. یک شاخه از الهیات که جدیدتر و موضوع بحث ما است، الهیات عملی است که شاید سابقه آن بیش از ۲۰۰ سال نباشد. منظور از الهیات عملی چیست؟

الهیات عملی در یک جمله دنبال این است که بگوید اگر شما بخواهید دین در زندگی امروز حضور داشته باشد، چطور باید این تحقق صورت بگیرد؛ این موضوع الهیات عملی است. ممکن است کسی بگوید اگر ما الهیات سیستماتیک را بدانیم دیگر به الهیات عملی نیاز نداریم و اساساً الهیات عملی افزوده ای برای ما ندارد، چون فرض بر این است که ما می‌دانیم آموزه های دینی چیست و می‌خواهیم آن را در عمل پیاده کنیم.

در زمان شلایرماخر یکی از دوستان او استدلال کرد که الهیات عملی نمی‌تواند شاخه الهیات حساب شود چون کار ما در الهیات عملی صرف تطبیق کردن آموزه های دینی است. در واقع ما در الهیات عملی مهارت هایی را یاد می‌گیریم که افزوده الهیاتی برای ما ندارد. بر این اساس ما شاخه جدیدی در الهیات نداریم و الهیات عملی صرف اجرای الهیات است.

این یک تلقی بود که شلایرماخر با آن مخالف بود. او می‌گفت اینگونه نیست که ما آموزه های دینی را یاد بگیریم و بعد بخواهیم آن را اجرا کنیم. از نظر او کل الهیات، عملی است و محتوای مسیحیت در عمل ظهور کرده است. وقتی مسیحیت بخواهد در ظرف زمان محقق شود این ظرف خودش اقتضائاتی دارد که ممکن است نظر ما را راجع به شیوه اجرای آموزه ها تغییر دهد. مثلاً زمان حضرت عیسی به گونه خاصی زندگی می‌کردند ولی آیا ما نیز باید دقیقاً همان صورت را پیاده کنیم؟

حرف شلایرماخر این است که زمان و روزگار ما آنقدر نسبت به قبل تفاوت کرده است که باید نظریه عمل دیگری اتخاذ کنیم. نظریه عمل با خود عمل تفاوت دارد. در اثر تحولات مدرن و تغییر شیوه زندگی نظریه عمل تغییر می‌کند و شما باید نسبت به آن بازسازی داشته باشید.

الهیات عملی به مثابه حکمت عملی؟

من چند تلقی دیگر نسبت به الهیات عملی را نقل کنم. برخی اینگونه فکر می‌کنند که الهیات عملی مثل حکمت عملی است یعنی فرق الهیات نظری و الهیات عملی مانند تفاوت حکمت نظری و حکمت عملی است. البته ما دو معنا برای حکمت عملی داریم. یکبار نگاه ما به حکمت عملی به عنوان شاخه ای از فلسفه است که مباحث کلی راجع به اخلاق دارد و نهایتاً به همان حکمت نظری ختم می‌شود چون در واقع این نوع حکمت نیز بحث و نظر است. در عین حال ما یک حکمت عملی داریم که مفهوم متفاوتی دارد. در این نگاه حکمت عملی یک مهارت، توان و فضیلت است که کسی دارد و بر اساس آن می‌تواند یک قاعده کلی را تبدیل به حکم کند.

در تعبیرات کانت این معنای حکمت عملی به چشم می‌خورد. کانت می‌گوید که ما در دانشگاه دکتر زیاد داریم ولی خیلی از آن ها بلد نیستند چگونه زندگی کنند، چون مهارت زندگی غیر از دانش آن است. ممکن است شما دانش داشته باشید ولی تجربه اجرای آن را نداشته باشید مثل پزشکی که در مباحث نظری برجسته است ولی در عمل ضعیف. پس برخی می‌گویند الهیات

عملی اینگونه است و مانند حکمت عملی است. این دیدگاه حرف بدی نیست ولی منظور ما از الهیات عملی این نیست و باید این تلقی را کنار گذاشت.

افراد دیگری می گویند الهیات عملی مثل استدلال عملی است. راجع به استدلال عملی دو تفسیر وجود دارد. تفسیر قدیمی از استدلال عملی این بود که شکل استدلال عملی مانند قیاس است ولی نتیجه آن مربوط به عمل است یعنی نتیجه آن باور معطوف به عمل است. در دوران جدید از این تعریف فاصله گرفتند و می گویند استدلال عملی این نیست چون این استدلال همان استدلال نظری است. استدلال عملی این نیست که کسی بگوید من استدلال کردم عدالت خوب است. ما به این استدلال عملی نمی گوئیم مگر اینکه این روند معرفتی شخص را به سمت اخلاق بکشاند.

طبق این تفسیر الهیات عملی یعنی دعاوی الهیاتی شما را به سمت عمل بکشاند. این برداشت هم ممکن است درست باشد ولی باز هم مراد ما از الهیات عملی این نیست. شلاپرماخر و چالش راهبری کلیسا

اگر بخواهم جمع بندی کنم آنچه راجع به الهیات عملی مورد نظر ما است، همان چیزی است که تحت تأثیر شلاپرماخر بیان شده است. او صراحتاً می گوید چالش اصلی الهیات عملی، راهبری کلیسا و دین است. از نظر او زمانی که عیسی بود و خدا برای نجات بشر مستقیماً مداخله می کرد، بشر متصل به وحی بود ولی اگر ما امروز بخواهیم کاری که عیسی می کرد را انجام دهیم، مناسبات اجتماعی عوض شده است. کار الهیات عملی این است که ببیند اگر آن اتفاق الآن می خواست محقق شود چه مناسبات و احکامی داشت. طبیعتاً این یک بحث نظری است و تمهیدات بسیاری می خواهد؛ مثلاً تئوری می خواهد، شناخت جامعه را می خواهد، لذا شما مجبورید به رشته های مختلف سر بزنید.

پس ایده الهیات عملی روشن است، روش آن هم روشن است. ما در الهیات عملی می خواهیم دین را در عرصه عمل مردم ببینیم و این امر، اقتضای شناخت مردم را دارد. تا مردم را شناسیم، نمی توانیم الگوی هزار سال پیش را پیاده کنیم.

در مورد جهان اسلام باید عرض کنم فارابی در احصاء العلوم بحثی را مطرح می کند و می گوید ما یک علم فقه داریم و یک علم کلام. فقه یعنی بیان مواضع دین، یعنی پیاده کردن نظر دین که خودش دو بخش است؛ یکی فقه الآرا که به بیان اعتقادات می پردازد و دیگری فقه الافعال که فقه الافعال همان چیزی است که ما امروز به عنوان فقه می شناسیم. پس مفهوم فقه بیان مواضع دین است و فقه هیچ وقت از مواضع دین دفاع نمی کند.

از نظر فارابی کلام بر خلاف فقه از این مواضع دفاع می کند و آن ها را تبیین می کند و توضیح می دهد. کلام نیز دو بخش دارد؛ کلام الآراء که همان کلامی است که امروز می شناسیم و کلام الافعال یعنی دانشی که از الگوهای هنجاری دین دفاع می کند. این چیزی که فارابی به عنوان کلام الافعال می گوید، ما را به الهیات عملی نزدیک می کند.

فارابی می گوید چرا ما کلام الافعال نداریم در حالی که به همان میزانی که به کلام آرا نیاز داریم به کلام افعال هم نیاز داریم. در این نگاه گویی افعال دینی و اخلاق دینی خودش هویت مستقلی دارد که می شود از آن دفاع کرد. پس اگر ما کلام افعال داشته باشیم، می توانیم دفاع مستقلی از افعال دینی داشته باشیم و از افعال به عنوان الگوی زندگی خوب دفاع کنیم نه اینکه آن را به کلام آرا برگردانیم و بگوئیم فلان عمل واجب است چون خدا گفته است.